

## بررسی عوامل مؤثر بر رفع اطلاع دادرسی و توسعه قضایی با مطالعه موردی بر دادگستری شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶

سیدحسام الدین رفیعی طباطبایی<sup>۱</sup>، ایمان دارابی<sup>۲</sup>

doi: 10.22034/FLJ.2020.111267

### چکیده

اطلاع دادرسی را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین مشکلات و معضلات دستگاه قضایی کشورمان ایران نامید که با وجود این که در زمان تصدی هر یک از رؤسای این قوه، راه کارهای مختلفی مانند ایجاد مراکز مشاوره، راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف، سیاست‌گذاری‌های کلان و بلندمدت، سازماندهی‌های کوتاه مدت و همچنین طرح جامع رفع اطلاع دادرسی، برای کاهش آن اتخاذ شده است، اما همچنان مردم و حتی بدنه این دستگاه عظیم درگیر این معضل قدیمی هستند. مقاله حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر کاهش و رفع اطلاع دادرسی و توسعه قضایی، به صورت بررسی موردی در شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ تهیه و نگارش گردیده است. با توجه به یافته‌های مقاله پیش رو، رتبه بندی عوامل مؤثر بر کاهش و رفع اطلاع دادرسی در خصوص مورد مطالعه به ترتیب عبارتند از توسعه کیفی نیروی انسانی، اصلاح فرآیندهای رسیدگی، اصلاح مقررات و قوانین، اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی و توسعه کمی نیروی انسانی.

**واژگان کلیدی:** اطلاع دادرسی، عوامل رفع اطلاع دادرسی، توسعه قضایی، دادگستری، کرمانشاه.

۱ - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی کرج (نویسنده مسئول)

rafiee.hesam@gmail.com

http://orcid.org/0000-0003-0339-1775

۲ - کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی کرج haminresearch@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ - تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۱۲/۱۸

## مقدمه

منظور از «اطاله» طولانی شدن نامعقول و غیرمترعارف جریان رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی است؛ و آیین دادرسی به معنای اعم آن عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد درباره تشکیلات قضایی صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها است که در فقه به آن علم القضاء گویند. دادرسی به معنای اخص، مجموعه عملیات و اقداماتی است که به قصد پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود. مانند مجموعه مقرراتی که برای گرفتن یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده می‌شود، یا دادرسی به مفهوم اخص رسیدگی مرجع قضوتی به دعوا یا امر مطروحه یعنی ادعاها، ادله، استدلالات و خواسته خواهان، با لحاظ پاسخ خواننده، در جهت صدور رای قاطع است. اطاله دادرسی یکی از مشکلات اساسی دستگاه قضایی کشور است که اگر پیشینه این امر مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد از زمان پایه ریزی دستگاه عدلیه در ایران سابقه دارد. به عنوان مثال شماره چهارم و پنجم مجله حقوقی وزارت دادگستری در سال ۱۳۳۸ در سرنوشتار خود به اطاله دادرسی پرداخته و آن را معضل عدلیه وقت اعلام کرده است (دلآوری، ۱۳۸۹، ۲۵).

امروزه به لحاظ افزایش جمعیت و تحت تأثیر عوامل مختلف دیگر، این معضل ابعاد گسترده تری به خود گرفته است و کمتر از جانب مردم تحمل می‌شود. بنابراین اهمیت موضوع در جامعه امروزی کاملاً محسوس و آشکار است زیرا این امر هم منشأ تضییع حقوق و اعمال غرض است و هم سبب می‌شود که خدمات قضایی خوب تلقی نشود و به عدم رضایت مندی به جهت ایجاد تأخیر در اجرای عدالت در جامعه منجر گردد. لذا ضرورت رفع این معضل کهنه و قدیمی و درمان آن باید در اولویت های مهم مسئولان قضایی قرار گیرد تا با استفاده از نظریات اندیشمندان علم حقوق و تلفیق آن با رهنمودهای صاحبان تجارب قضایی گام های اساسی در این راه برداشته شود.

اطاله دادرسی یکی از مشکلات اساسی تشکیلات قضایی ایران است که افزون بر ارباب رجوع، مدیران و قضاوت، کارکنان این دستگاه عظیم را نیز سخت آزار داده و می‌دهد. بنابراین اطاله دادرسی از دغدغه های اولیه تمامی مسئولان وقت قضایی بوده و کوشش وافر داشته اند که این معضل کهنه و لاینحل تشکیلات قضایی را که چونان زخمی کهنه بر بدنه تشکیلات قضایی ایران خودنمایی می‌کند به هر نحو ممکن مهار و درمان کنند. در این راستا حقوقدانان و صاحبان تجارب علم قضا نیز در این وادی به لحاظ احساس مسئولیت و همدردی، چه از دید تئوری، چه از نظر تجربی مطالبی را مطرح کرده اند که اگر تئوری و

تجربی با یکدیگر تلفیق می‌شدند و مورد بهره‌برداری قوه مقننه قرار می‌گرفتند شاید اکنون با معضلی به نام اطلاع دادرسی تا این حد روبه‌رو نبودیم. اما با این وجود به درستی عوامل اطلاع دادرسی چیست؟ وظیفه محاکم قضایی از زمان تسلیم شکایت یا تقدیم دادخواست آغاز شده و قبل از آن وظیفه خاصی که به اطلاع دادرسی مربوط می‌شود به عهده آنان نیست. شکایت و اعلام جرم و دادخواست نقطه آغاز جریان دادرسی است، بنابراین تدوین و نگارش صحیح و رعایت اصول این اقدام که در مواد ۵۱، ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی به آن اشاره شده است می‌تواند از تأخیر در رسیدگی تا حدی جلوگیری کند. پس از تقدیم دادخواست یا ثبت آن، مرحله دادرسی شروع می‌شود. پس از شروع تا ختم رسیدگی، حوادثی اتفاق می‌افتد که موجب طولانی شدن دادرسی می‌شود. شاید تصور کنیم که فقط تلاش‌های قاضی پرونده است که عدالت را به اجرا و ظهور می‌رساند ولی در کنکاشی دقیق روشن است که در کنار قاضی، افراد و نهادهای دیگر تأثیرگذاری هم هستند که به نوعی همراه و همکار و عصای دست اویند. استفاده از ضابطان مجرب و کارکنان بصیر و توانا می‌تواند زمینه تکمیل پرونده و تسریع در رسیدگی و صدور اجرای حکم را برای قاضی تسهیل کند (یعقوبی، ۱۳۸۶، ۳۲). سؤال اساسی این پژوهش آنست که عوامل مؤثر بر رفع اطلاع دادرسی کدامند؟

## روش شناسی

گرچه در هر پژوهش خاصی می‌توان مجموعه‌ای از روش‌ها را به کار برد اما روش مورد استفاده در این پژوهش روش پیمایشی است. ضمن این که از روش اسنادی و کتابخانه‌ای هم جهت طرح تئوری‌های ابتدای کار استفاده شده است. لکن شیوه اصلی غالب، در خصوص موارد میدانی و آماری کار، شیوه پیمایشی است که متداول‌ترین روش در پژوهش‌های کمی است. شیوه گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آن‌ها از ویژگی‌های بارز پیمایش هستند. این پژوهش از لحاظ هدف به دلیل پاسخ‌گویی و ارائه راهکارهایی برای یک مسئله یا مشکل اجتماعی، یک پژوهش کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها یک پژوهش پیمایشی می‌باشد که جهت تدوین مبانی نظری پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و جهت گردآوری داده‌های میدانی و تحقیق از افراد در جامعه آماری و نمونه از پرسشنامه استفاده گردیده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. پایایی پرسشنامه این پژوهش بر طبق آزمون آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۶ گزارش شده است. جامعه آماری این پژوهش قضات، وکلا، کارشناسان و کارکنان دادگستری شهرستان کرمانشاه بوده‌اند. حجم نمونه در این تحقیق یکصدوپنجاه نفر می‌باشد و روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش در

دسترس بوده است. تجزیه و تحلیل بر اساس ماهیت داده‌ها در قالب آزمون تی تک‌نمونه‌ای و آزمون فریدمن صورت گرفته است.

## ۱- مفهوم اطاله دادرسی

اطاله در ادبیات حقوقی برای طولانی شدن غیرطبیعی امر یا موضوعی به کار می‌رود، مانند اطاله کلام و یا اطاله دادرسی؛ اما در غیر از این موارد لفظ تأخیر به کار می‌رود؛ مثلاً ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یک بار به تأخیر بیاندازد.» یا این که در بند (ب) ماده ۳۸۶ همان قانون آمده است: «چنانچه محکوم به غیرمالی باشد و به تشخیص دادگاه صادر کننده حکم، محکوم علیه تأمین مناسب بدهد اجرای حکم تا صدور رأی فرجامی، به تأخیر خواهد افتاد.» در این موارد تأخیر دادرسی و اجرای حکم، مشروع و موجه است، اما در عین حال استعمال لفظ تأخیر به معنای طولانی شدن نامشروع و غیرموجه، در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ دیده می‌شود؛ مثلاً در ماده ۱۳۹ همان قانون می‌گوید: «شخص ثالث که جلب می‌شود خوانده محسوب و تمام مقررات راجع به خوانده درباره او جاری است و هرگاه دادگاه احراز نماید که جلب شخص ثالث به منظور تأخیر رسیدگی است، می‌تواند دادخواست جلب را از دادخواست اصلی تفکیک نموده به هر یک جداگانه رسیدگی کند.» بهتر بود در این ماده قانون گذار به جای اصطلاح «تأخیر رسیدگی» اصطلاح «اطاله دادرسی» را به کار می‌برد. اصطلاح «اطاله دادرسی» در هیچ یک از مواد قانون آیین دادرسی مدنی به کار برده نشده است؛ اما این بدان معنا نیست که قانون گذار از آن غافل بوده است. اصل سرعت در دادرسی (منع اطاله دادرسی) از اصول بدیهی آیین دادرسی مدنی است (یعقوبی، ۱۳۸۶، ۱۲).

در بین قوانین مرتبط تنها در آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ و در بند ۹ ماده ۸۰ آن به صراحت اصطلاح «تطویل دادرسی» به کار رفته است. در ماده ۳۸ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ نیز، اصطلاح «تطویل محاکمه» به چشم می‌خورد. توضیح این که بند ۹ ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری با اندک تغییرات، جایگزین ماده ۳۸ قانون وکالت شده که در این میان اصطلاح «تطویل محاکمه» به اصطلاح «تطویل دادرسی» تغییر پیدا کرده است. «دادرسی» مصدر مرکب از «داد» و «رسی» است. «داد» به معنای عدل و قسط است و امروزه در ادبیات حقوقی نسبت به کلمات مترادف کاربرد بیشتری پیدا کرده است. «دادرسی» در لغت به معنای عدل

دادرس، قضا، محاکمه و همچنین به معنای به داد مظلوم رسیدن و رسیدگی به دادخواهی دادخواه آمده است (دارایی، ۱۳۸۷، ۱۹).

از نظر حقوقی، دادرسی به دو مفهوم به کار رفته است؛ دادرسی به مفهوم اعم و دادرسی به مفهوم اخص. «دادرسی به معنی اعم، رشته ای است که از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاهها می باشد.» در تعریف دیگری، «دادرسی به مفهوم اعم، رسیدگی مرجع قضایی به درخواست خواهان، در جهت صدور رأی، با لحاظ پاسخی می باشد که طرف مقابل، عندالاقضاء مطرح می نماید. بنابراین دادرسی شامل دسته ای از اعمال می شود که در برهه زمانی مشخص انجام و از درخواست شروع شده و تا صدور رأی ادامه می یابد.» (صاحبی، ۱۳۸۵، ۴۰). در تعریف اول، اجرای احکام نیز جزء دادرسی محسوب می شود، ولی در تعریف دوم دادرسی با صدور رأی پایان می پذیرد و اجرای احکام از قلمرو آن خارج شده است. «دادرسی به معنی اخص، مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می رود. مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده می شود.» به بیان بهتر، «دادرسی به معنی اخص یعنی رسیدگی به مرافعه که عبارت است از تبادل لویج (در دادرسی عادی) و تعیین جلسات و استماع مدافعات و توضیحات و تحقیقات دادگاه در اثناء دعوا و رسیدگی به دلایل و دعوت دادستان در موارد ابلاغ.» در تعریف دیگری گفته شده است: «دادرسی به مفهوم اخص، رسیدگی مرجع قضایی به دعوا یا امر مطروحه، یعنی ادعاها، ادله، استدلالات و خواسته خواهان، با لحاظ پاسخ خوانده در جهت صدور رأی قاطع می باشد.» (گروه توسعه قضایی، ۱۳۸۹، ۶۶).

در تمام تعاریف دادرسی به مفهوم اخص، اجرای احکام از قلمروی دادرسی خارج شده است. دادرسی به این مفهوم، جز در موارد نادری (از جمله ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) دارای پیشوند جلسه بوده و معمولاً در مواردی به کار می رود که دادرسی معمولی و نه دادرسی های خاص مورد نظر است (برای مثال مواد ۴۴، ۹۳ به بعد، ۱۳۸ و ۱۴۳ همان قانون). ولی تعریف دادرسی به معنای اعم، به دادرسی معمولی مختص نمی شود و انواع دادرسی اعم از معمولی و خاص را در برمی گیرد. دادرسی به معنای اخص می تواند شامل مراحل مختلف مانند مرحله بدوی، مرحله واخواهی و مرحله تجدیدنظر باشد. مرحله دادرسی به ظرف زمانی خاصی اطلاق می گردد که دعوا در آن مطرح شده، مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور رأی قاطع مربوطه می شود. هر مرحله دادرسی به معنای اخص، می تواند دارای مقاطع مختلف باشد. مقطع دادرسی به ظرف زمانی خاصی اطلاق می شود که هر مرحله ممکن است داشته باشد. بنابراین اولین جلسه دادرسی، ختم مذاکرات طرفین و... از مقاطع دادرسی مرحله بدوی

می‌باشند. البته برخلاف واژه مرحله، که در بسیاری از مواد قانون جدید به کار گرفته شده است، در هیچ یک از مواد واژه مقطع مشاهده نمی‌شود (روزنامه سیاست روز، ۱۳۸۰، ۵).

با توجه به تعریف دادرسی به معنای اعم و اخص، مشخص می‌شود که مراد ما از «دادرسی» در این تحقیق، دادرسی به معنای اخص است که از آن جا که می‌تواند دارای مقاطع و مراحل مختلف باشد، از مقطع شروع دعوا آغاز و تا صدور رأی قطعی ادامه می‌یابد. با این توضیح، هر چه مراحل و مقاطع دادرسی بیشتر باشد، صدور رأی قطعی به تأخیر می‌افتد و دعوا دیرتر مختومه می‌شود؛ اما باید دانست بعضی از مراحل و مقاطع دادرسی لازمه دادرسی عادلانه است و تأخیر رسیدگی به واسطه وجود آن‌ها ایراد محسوب نمی‌شود. تنها تأخیر غیرمعقول و غیرمنطقی که ما آن را «اطاله» نامیدیم، ایراد محسوب می‌شود و می‌تواند عادلانه بودن یک دادرسی را زیر سوال ببرد. لازم به ذکر است که اگرچه دادرسی به مفهوم اخص، با صدور رأی قطعی خاتمه می‌یابد، اما در حال حاضر، فاصله زمانی بین صدور رأی قطعی تا ابلاغ آن، در بیشتر موارد به طور نامعقولی به طول می‌انجامد؛ مثلاً رأی با تأخیر غیرموجه تایپ می‌شود و پس از تایپ، دیر به امضاء صادرکنندگان می‌رسد. همچنین، ابلاغ دادنامه با تأخیر غیرمنطقی انجام می‌گیرد، که این موارد از آن جا که معمولاً صدور اجراییه و احقاق حق در مرحله اجرای احکام را برای محکوم له، به طور غیرمعقول به تأخیر می‌اندازد، از عوامل اطاله دادرسی محسوب می‌شود و لازم است که تحت شمول تعریف اطاله دادرسی قرار گیرد. با این توضیحات، به طور خلاصه می‌توان گفت که به «طولانی شدن غیرمعقول زمان رسیدگی دادگاه به دعوا یا امر مطروحه از مقطع شروع دعوا تا زمان ابلاغ رأی قطعی»، اطاله دادرسی اطلاق می‌شود (مهاجری، ۱۳۷۸، ۱۹).

## ۲- رویکردهای رفع اطاله دادرسی

### ۲-۱- توسعه کمی نیروی انسانی

در چهارچوب برنامه توسعه قضایی کشور، توجه زیادی به رفع معضل کمبود نیروی انسانی و بالا بردن معلومات و سطح آموزش قضات شده است که در ادامه به بررسی این تلاش‌ها می‌پردازیم. تلاش‌های قوه قضاییه در این زمینه از جهت توسعه کمی نیروی انسانی و توسعه کیفی نیروی انسانی قابل توجه است. با آغاز به کار ریاست مرحوم آیت‌الله هاشمی شاهرودی در قوه قضاییه تلاش گسترده‌ای برای اختصاص منابع مالی لازم برای استخدام بیشتر نیروی انسانی در دادگستری آغاز شد که ثمره آن افزایش تعداد قضات و کادر اداری دستگاه قضایی در سال‌های دهه ۱۳۸۰ است. ذیلاً نگاهی به این تلاش‌ها در ده سال گذشته و ثمرات آن خواهیم داشت.

## ۲-۱-۱- افزایش تعداد دارندگان پایه قضایی

دارندگان پایه قضایی در واقع کسانی هستند که به عنوان قاضی در دستگاه قضایی استخدام شده‌اند هر چند ممکن است مستقیماً در شعب دادگاه‌ها و دادرها مشغول به کار نباشند. برای مثال، علاوه بر دادیاران و بازپرسان، معاونان دادستان که سرپرست دادرهای هر ناحیه هستند نیز دارای پایه قضایی هستند. همچنین معاونان قضایی رییس دادگستری هر شهرستان، مانند معاون ارجاع نیز باید دارای پایه قضایی باشند، هر چند که ممکن است در دوران تصدی این سمت‌ها مستقیماً در امور قضایی مداخله نمایند. دارندگان پایه قضایی ستون اصلی دستگاه قضایی هستند، زیرا تصمیمات راجع به حقوق مردم را این افراد اتخاذ می‌نمایند. در سال‌های اخیر تعداد قضاات و دارندگان پایه قضایی به شکل چشم‌گیری افزایش یافته و تعداد زیادی از دانش‌آموختگان جوان و متعهد دانشکده‌های حقوق کشور، به منظور خدمات در دستگاه قضایی کشور به استخدام قوه قضاییه درآمده‌اند و این روند نیز همچنان ادامه دارد. جذب دانش‌آموختگان نخبه رشته حقوق یکی از سیاست‌های کلی قوه قضاییه محسوب می‌شود. مهم‌ترین عامل اطلاع دادرسی عوامل انسانی است و مهم‌ترین علت اشتباهات فردی قضاات نیز بالا بودن حجم کار قضاات است. در حالی که از نظر استانداردهای جهانی هر قاضی حداکثر باید به دو یا سه پرونده در هر روز رسیدگی کند (اعم از رسیدگی در جلسه محاکمه، اجرای قرار، وقت نظارت، انشاء رأی و...) در برخی شعب محاکم قضایی مجبور است روزانه تا بیست پرونده را مطالعه نماید و تصمیمات لازم را در مورد آن اتخاذ نماید و نتیجه چنین تصمیمات عجولانه‌ای اگر موجب تضییع حقوق اصحاب دعوی نگردد، حداقل ضرر آن تجدیدی بی‌مورد جلسات رسیدگی و اطلاع دادرسی است. افزایش تعداد قضاات می‌تواند به راه اندازی شعبات بیشتری در دادگستری‌ها منجر شود و در نتیجه تعداد پرونده‌های ارجاع شده به هر شعبه را کاهش می‌دهد که مستقیماً به کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها منجر می‌شود. البته استخدام این تعداد از قضاات، به لحاظ بار مالی و لزوم طی مراحل دشوار گزینش قضاات و سپس نظارت دقیق بر عملکرد آن‌ها، مستلزم فراهم آمدن امکانات مالی و مدیریتی بسیاری است که با پیگیری‌ها و مطالبات مستمر رئیس قوه قضاییه و عنایت ویژه مقام معظم رهبری، تاکنون محقق شده است به گونه‌ای که در بدترین شرایط اقتصادی کشور نیز که هرگونه استخدام قراردادی در دستگاه‌های دولتی ممنوع بوده، قوه قضاییه از اجازه استخدام رسمی نیروی انسانی برای تصدی پست قضاوت برخوردار بوده است. در طول سال‌های گذشته آزمون جذب قضاات از میان کارکنان واجد شرایط دادگستری بارها انجام پذیرفته است و حتی جذب قاضی از میان فارغ‌التحصیلان رشته حقوق و نیز فقه و حقوق دانشگاه‌های کشور که مدتی تعطیل شده بود نیز، مجدداً از سال ۱۳۸۷ با اصلاحاتی از سرگرفته شد (مرتضوی، ۱۳۹۰، ۱۶).

## ۲-۱-۲- افزایش تعداد کارمندان اداری

هر شعبه دادگاه یا دادسرا علاوه بر حداقل یک نفر دارنده پایه قضایی، نیازمند یک مدیر دفتر و حداقل یک کارمند است که به انجام امورات اداری شعبه، زیر نظر رییس آن بردازند. همچنین انجام اموری مانند قبول شکایات یا دادخواست‌ها، ثبت آن‌ها، تایپ احکام و نیز ابلاغ اوراق دادرسی نیز نیازمند در اختیار داشتن کادر اداری متناسب با حجم بالای کار است. بنابراین استخدام هر قاضی در دستگاه قضایی، نیازمند استخدام چندین نفر کارمند اداری است و بدون استخدام کادر اداری، استخدام قضات بیشتر فایده چندانی نخواهد داشت. برخی قضات در این زمینه عقیده دارند «استخدام هر قاضی در دادگستری کرج نیازمند به کارگیری حداقل سه کارمند اداری است و افزایش تعداد قضات همواره باید با هماهنگی کامل با افزایش کارمندان اداری انجام شود تا نتیجه مطلوب را در برداشته باشد». در ده سال گذشته، متناسب با جذب تعداد زیادی از قضات، تعداد زیادی کارمند اداری نیز به استخدام قوه قضاییه درآمدند و حتی زمانی که استخدام قضات برای مدت کوتاهی با وقفه روبرو می‌شد، استخدام کادر اداری برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در دادگستری‌ها ادامه داشته است. مدیریت این تعداد زیاد از کارمندان اداری و نظارت بر عملکرد آن‌ها و نیز تأمین حقوق و مزایای مالی مکفی برای آنان، نیازمند توانایی مدیریتی بالا و پیگیری مستمر در بودجه‌بندی سالیانه کشور است که در سال‌های اخیر، علیرغم بسیاری از ناملایمات و کم‌لطفی‌های برخی دستگاه‌های مرتبط با اختصاص منابع مالی، به طور مستمر تأمین شده است. در عین حال هنوز هم باید اذعان نمود که در بسیاری از محاکم به ویژه در شهرستان‌ها کارمندان دفتری به تعداد کافی در محاکم وجود ندارد و یک کارمند دفتری عهده‌دار چندین سمت است، مثلاً منشی دفتر دادگاه وظیفه داوروز را هم بر عهده دارد و یا حتی در برخی شعب، به دلیل نبود کارمند به تعداد کافی وظیفه تنظیم صورتجلسات جلسه محاکمه نیز بر عهده خود رئیس شعبه است (مرتضوی، ۱۳۹۰، ۲۰).

## ۲-۲- توسعه کیفی نیروی انسانی

در سال‌های گذشته توسعه کمی نیروی انسانی به تنهایی مطلوب نبوده و رییس قوه قضاییه تأکید زیادی بر لزوم توسعه کیفی نیروی انسانی داشته‌اند. در واقع سیاست قوه قضاییه در تعامل با نیروی انسانی خود، پیگیری افزایش تعداد قضات همزمان با بالا بردن سطح و توان علمی آن‌ها بوده است. این سیاست در شرایط جذب قضات نمود بسیاری بارزی دارد و برای نمونه در آگهی دعوت به شرکت در آزمون علمی جذب قضات در سال ۱۳۸۶، یکی از شرایط ابتدایی شرکت در آزمون، اشتغال به تحصیل در مقطع دکتری یا فراغت از تحصیل در مقطع فوق‌لیسانس بود و تنها آن دسته از دانشجویان مقطع کارشناسی



ارشد می توانستند در این آزمون شرکت کنند که مطابق گواهی بنیاد ملی نخبگان، دانشجوی نخبه محسوب شده و دارای مقالات و تألیفات منتشر شده در نشریات معتبر حقوقی باشند. در واقع با تأکیدات مکرر رییس قوه قضاییه، در چند سال گذشته موجی از نخبه‌پروری و توجه به بالا بردن سطح علمی قضات در قوه قضاییه به راه افتاده که دو نمود بارز آن را که آموزش ضمن خدمت قضات و کارمندان دفتری و ایجاد امکان ادامه تحصیل برای قضات می‌باشد را در ادامه بررسی می‌کنیم. از سوی دیگری جذب قاضی از میان دارندگان دانشنامه کارشناسی ارشد نیز از دیگر اقدامات قوه قضاییه در جهت توسعه کیفی نیروی انسانی است.

### ۲-۱- آموزش ضمن خدمت قضات و کارمندان دفتری

در طی سال‌های گذشته، دوره‌های آموزشی متعددی برای قضات در نظر گرفته شده که در آن با استفاده از اساتید برجسته حقوق ایران، تلاش می‌شود معلومات قضات به روزرسانی شده و قضات با آخرین نظریات و دکترین‌های حقوقی ایران و جهان آشنا شوند. بسیاری دیگر از اساتید حقوق ایران نیز ضمن ابراز خرسندی از دعوت از ایشان برای شرکت در این دوره‌ها، اثرات بسیار مثبت تشکیل این دوره‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهند و در رابطه چنین اظهارنظر می‌کنند: «هنگامی که یک قاضی با حضور در دوره‌های آموزشی هدفمند، از آخرین دستاوردهای پژوهش‌های جرم‌شناسی در کشور مطلع می‌شود، در عملکرد خود در دادگستری با الهام از همین دستاوردها عمل می‌نماید و پژوهشگران احساس می‌کنند که فعالیت آنان برای کشور و مردم شان پرثمر است، ضمن این که در میان گذاشتن این نظریات با قضات، آن را در معرض نقد عملی نیز قرار می‌دهد و در بسیاری از موارد منجر به اصلاح نظریات و هماهنگ کردن آن با شرایط عملی حاکم بر جامعه و دستگاه قضایی می‌گردد و این همان تعامل سازنده دانشکده حقوق با دستگاه قضایی است.» ابراز رضایت از رویکرد دستگاه قضایی به آموزش مداوم قضات به وسیله اساتید طراز اول کشور، تنها منحصر به اساتید نیست بلکه قضات نیز این دوره‌ها را برای خود بسیار مفید ارزیابی می‌کنند. همچنین با تأکیدات رییس قوه قضاییه، امکان تشکیل جلسات ماهانه برای قضات استان‌ها فراهم شده و تعداد زیادی از قضات هر ماه در کنار یکدیگر جمع شده و به بررسی مهم‌ترین ابهاماتی که در دستگاه قضایی وجود دارد می‌پردازند. نظرات ابراز شده در این جلسات به صورت مجموعه کتاب‌های نشست‌های قضایی منتشر می‌شود که می‌تواند راهگشای سایر قضات و دانشجویان در موارد مشابه باشد و در بسیاری از موارد از تشتت آراء و ایجاد رویه‌های مختلف در دستگاه قضایی جلوگیری نماید. بدیهی است که افزایش سطح علمی قضات می‌تواند به طور مستقیم بر سرعت عملکرد در پرونده‌ها

و تصمیم‌گیری سریع و قاطع آنان تأثیر دارد؛ زیرا باعث تسلط قاضی بر پرونده‌ها و عدم به تعویق افتادن مراحل دادرسی و صدور رأی در اثر تردید قاضی در صحت تصمیمات اش می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش اطلاع دادرسی تصمیم‌گیری و مدیریت صحیح پرونده قضایی است. اگر قضات از ابتدای ثبت دادخواست پرونده را مطالعه نموده و نکات معلوم و مجهول آن را دریابند و آن را با جهات حکمی قانونی تطبیق دهند و مسیر خود را برای صدور رأی ترسیم نمایند و در طول رسیدگی از این نقشه پیروی نمایند، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به هدف خواهند رسید و رأیی که حاصل از چنین فرآیندی باشد، اصولاً منطبق موازین قانونی و اصول حقوقی است و با واقعیات پرونده نیز هم‌خوانی دارد. به تجربه ثابت شده است که تصمیم‌گیری‌های نادرست قضایی که عمدتاً ناشی از بی‌تجربگی یا دانش اندک برخی قضات است، پرونده را از مسیر اصلی خود منحرف می‌نماید و حتی اگر نهایتاً پرونده منجر به صدور رأی صحیح گردد، این امر با چند جلسه رسیدگی اضافه حاصل می‌گردد. لذا افزایش دانش حقوقی قضات، آشنا نمودن آنان با مقررات جدید و شیوه اعمال آن‌ها و تشکیل کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی به ویژه پس از اصلاح مقررات می‌تواند به کاهش اطلاع دادرسی بسیار کمک نماید.

یکی از مهم‌ترین موارد این آموزش‌ها را پس از احیاء مجدد دادرسی در نظام قضایی کشور می‌توان مشاهده نمود. در شرایطی که دادرسی از نظام قضایی کشور در مدت بیش از ده سال حذف شده بود و عمده قضات جوانی که در دادرسی مشغول به کار می‌شدند، با این نهاد آشنایی کافی نداشتند، قوه قضاییه در یک اقدام جدی دوره‌های متعدد آموزشی را برای این قضات برگزار نمود تا این دسته از قضات بتوانند با آگاهی و شناخت کافی در دادرسی به خدمت بپردازند. اقدامات معاونت آموزش قوه قضاییه در جهت انتشار کتب و نشریات مختلف نیز قابل قدردانی است. انتشار کتب به ویژه در موضوعات جدید از جمله احیاء دادرسی و یا مجموعه‌های رویه قضایی که به تفکیک وظایف قضات (دادیار، بازپرس، محاکم حقوقی و کیفری و...) انتشار یافته است از جمله این اقدامات است. همچنین قوه قضاییه مبادرت به انتشار یا حمایت از انتشار نشریات مختلف و توزیع گسترده آن در میان کارکنان دستگاه قضایی نموده که محملی را برای طرح آراء و نظرات پژوهشگران و قضات در رابطه با مسائل مختلف حقوقی فراهم آورده است. از جمله این نشریات می‌توان به ماهنامه قضاوت، تعالی حقوق (دادگستری کل استان خوزستان) و روزنامه‌های مأوی و حمایت اشاره نمود. این نکته هم لازم به ذکر است که دوره‌های ضمن خدمت مختص کارکنان قضایی نیست و در بسیاری از موارد دوره‌هایی متناسب با وظایف کارکنان دفتری و به ویژه مدیران دفاتر نیز برای آنان تشکیل شده است. نقش کارکنان دفتری در پیش‌برد اهداف قوه قضاییه و

جلوگیری از اطاله دادرسی انکارناپذیر است و آموزش‌های ضمن خدمت و افزایش دانش این دسته از کارکنان نیز می‌تواند نقش مهمی در کاهش اطاله دادرسی داشته باشد (اصغرزاده بناب، ۱۳۸۳، ۵۵).

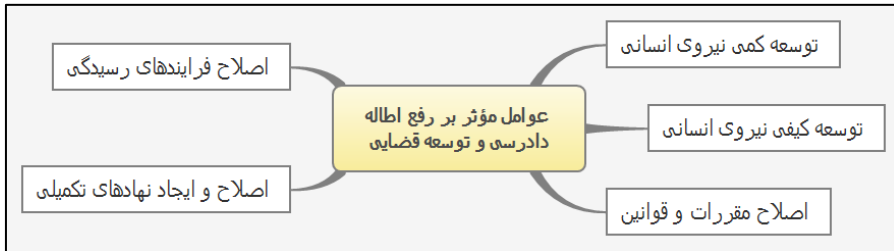
### ۲-۲-۲- ایجاد امکان ادامه تحصیل برای قضات

بسیاری از قضات با دارا بودن دانشنامه لیسانس وارد دستگاه قضایی کشور شده و درگیر شدن با حجم کاری زیاد و لزوم انجام امورات مردم، آن‌ها را علیرغم میل باطنی زیاد به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، از پیگیری این مهم بازداشته است. در سال‌های اخیر، رییس قوه قضاییه بر لزوم فراهم آوردن امکان تحصیل قضات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تاکید داشته‌اند و همین امر باعث تسهیل ادامه تحصیل قضات شده است. علاوه بر اعطای مرخصی‌های متناسب با ساعات اشتغال به تحصیل، قوه قضاییه با برخی دانشگاه‌های داخل و حتی خارج از کشور نیز قراردادهایی را منعقد نموده تا امکان ادامه تحصیل قضات مستعد و علاقه‌مند در این دانشگاه‌ها، با توجه به اوقات کاری آن‌ها فراهم شود و بسیاری از هزینه‌های گاه سنگین ثبت نام و تحصیل در دانشگاه‌ها را نیز بر عهده گرفته است. در واقع امروزه در قوه قضاییه ایران از دیدگاه سنتی «خواندن لمعتین برای قضاوت کافی است» خبری نیست و موج گسترده‌ای از گرایش به ادامه تحصیل و فراگیری به روز علوم قضایی در میان قضات شکل گرفته است (اصغرزاده بناب، ۱۳۸۳، ۶۰).

### ۳- پژوهش میدانی و آماری در مورد دادگستری کرمانشاه در سال ۱۳۹۶

حال پس از بررسی عوامل مذکور و آگاهی نسبی از نقش ایشان در کاهش و رفع اطاله دادرسی، ضمن تحقیق میدانی و آماری پیرامون میزان اثربخشی آن‌ها، تأثیر عوامل دیگری نظیر اصلاح مقررات و قوانین، اصلاح فرآیندهای رسیدگی و اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی را نیز به عنوان عواملی اثرگذار بر موضوع، مورد مطالعه قرار می‌دهیم. ضمن این که به جهت درک بهتر مطلب و مشاهده ملموس تر این تأثیرات و نیز به جهت کاربردی شدن نتایج پژوهش در فضای جامعه، تحقیق را به صورت موردی در خصوص دادگستری شهرستان کرمانشاه انجام داده ایم. تا هم تأثیر موضوعات کلی را بر مصداقی جزئی منطبق کرده باشیم و هم صحت مطالب را در میدان عمل تا حدودی سنجیده باشیم.

## ۳-۱- مدل مفهومی فرضیات



## ۳-۲- یافته‌های پژوهش

## ۳-۲-۱- یافته‌های توصیفی

توزیع جنسیت پاسخ‌گویان در این پژوهش حاکی از آن است که: هشتاد درصد از پاسخ‌گویان در این پژوهش مرد و بیست درصد زن بوده‌اند. توزیع سمت پرسش‌شوندگان در این پژوهش حاکی از آن است که: بیست و پنج درصد از پاسخ‌گویان در سمت قضات، سی درصد کارکنان و کارشناسان و چهل و پنج درصد نیز از وکلا بوده‌اند. توزیع میزان تحصیلات پاسخ‌گویان در این پژوهش حاکی از آن است که: ده درصد از پاسخ‌گویان میزان تحصیلات خود را دیپلم، دوازده درصد از پاسخ‌گویان میزان تحصیلات خود را فوق دیپلم، چهل و یک درصد لیسانس و سی و هفت درصد میزان تحصیلات خود را فوق لیسانس و بالاتر گزارش نموده‌اند. توزیع میزان تحصیلات پاسخ‌گویان در این پژوهش حاکی از آن است که: پانزده درصد از پاسخ‌گویان میزان سنوات خدمت خود را کمتر از ده سال، شصت و یک درصد ده تا بیست سال و بیست و چهار درصد میزان سنوات خدمت خود را بیشتر از بیست سال گزارش نموده‌اند.

فراوانی بر حسب پاسخ پاسخ گویان به سؤالات تأثیر توسعه کمی نیروی انسانی در رفع اطلاع دادرسی

عنوان	ابعاد	میانگین رتبه
توسعه کمی نیروی انسانی	افزایش تعداد دارندگان پایه قضایی	۳,۶۰
	افزایش تعداد کارمندان اداری	۳,۴۵

فراوانی بر حسب پاسخ پاسخ گویان به سؤالات تأثیر توسعه کیفی نیروی انسانی در رفع اطلاع دادرسی

متغیر کلی	ابعاد	میانگین رتبه
توسعه کیفی نیروی انسانی	آموزش ضمن خدمت قضات و کارکنان دفتری	۳,۷۵
	ایجاد امکان ادامه تحصیل برای قضات	۳,۶۸
	استخدام قاضی از میان دارندگان دانشنامه کارشناسی ارشد	۳,۹۸

فراوانی بر حسب پاسخ پاسخ گویان به سؤالات تأثیر اصلاح مقررات و قوانین در رفع اطلاع دادرسی

عنوان	ابعاد	میانگین رتبه	
اصلاح مقررات و قوانین	تأسیس مرکز مطالعات توسعه قضایی	۳,۷۴	
	اصلاح قوانین شکلی	آئین دادرسی کیفری	۳,۴۷
		آئین دادرسی مدنی	
		اصلاح قوانین ماهوی	
	قانون مدنی	قانون مدنی	۳,۲۸
		قانون تجارت	
	اصلاح قوانین کیفری	۳,۷۱	
	تدوین قوانین جدید	۳,۹۰	
	تنقیح قوانین و تدوین مجموعه قوانین و مقررات جامع	۳,۸۸	

فراوانی بر حسب پاسخ پاسخ گویان به سؤالات تاثیر اصلاح فرآیندهای رسیدگی در رفع اطاله دادرسی

عنوان	ابعاد	میانگین
اصلاح فرآیندهای رسیدگی	اقدامات ناظر به طرح صحیح دعاوی	۳,۸۷
	اطلاع رسانی مناسب	
	طرح دعاوی با مشاوره یا مداخله وکلای دادگستری	
	اصلاح فرم دادخواست بر اساس قانون جدید	
	اقدامات ناظر به مدیریت قضایی	۳,۶۹
	تخصصی شدن محاکم	
	اجباری شدن استفاده از وکیل	
	استفاده از سیستم الکترونیکی و رایانه‌ای در ثبت و رسیدگی دعاوی	
	ابلاغ تلفنی	
	صدور دستورالعمل‌های کاهش اطاله دادرسی	
صدور دستورالعمل زمان استاندارد رسیدگی		

فراوانی بر حسب پاسخ پاسخ گویان به سؤالات تاثیر اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی در رفع اطاله دادرسی

متغیر کلی	ابعاد	میانگین
اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی	تشکیل هر چه بیشتر شوراهای حل اختلاف	۴,۱۱
	تقویت نهاد داوری	۳,۹۷
	تشکیل مرکز امور مشاوران و کارشناسان قوه قضائیه	۳,۸۹

با توجه به میانگینی که در تمامی متغیرها کسب شده است، کلیه پاسخ‌ها دارای میانگین بالاتر از حد متوسط (۳) به خود اختصاص داده اند که بیانگر آن است که متغیر و ابعاد مفهومی مطرح شده در پژوهش در راستای رفع اطاله دادرسی مؤثر می‌باشند.

## ۳-۲-۲- یافته‌های استنباطی

آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه «توسعه کمی نیروی انسانی بر رفع اطلاع دادرسی مؤثر می‌باشد»

جدول آماره‌های توصیفی					متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد		توسعه کمی نیروی انسانی
۱۵۰	۳,۴۲	۰,۲۵	۰,۰۲		
جدول آماره‌های استنباطی					نتیجه کلی آزمون
آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	حد پایین / حد بالا	
۶,۱۸	۱۴۹	۰,۰۰۰۱	۰,۴۲	۰,۲۵ / ۰,۶۶	
تأیید فرضیه					

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون t برابر با  $0/0001$  می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری  $0/05$  کوچک تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با  $(6,18)$  و بزرگ تر از مقدار  $(1/96)$  می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: توسعه کمی نیروی انسانی بر رفع اطلاع دادرسی مؤثر می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با  $3,42$  می‌باشد که از میانگین جامعه  $(3)$  با اختلاف  $0,42$  نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه «توسعه کیفی نیروی انسانی بر رفع اطلاع دادرسی مؤثر می‌باشد»

جدول آماره‌های توصیفی					متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد		توسعه کیفی نیروی انسانی
۱۵۰	۴,۱۹	۰,۳۳	۰,۰۳		
جدول آماره‌های استنباطی					نتیجه کلی آزمون
آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت	حد پایین / حد بالا	
۷,۲۱	۱۴۹	۰,۰۰۰۱	۱,۱۹	۰,۱۹ / ۰,۳۹	
تأیید فرضیه					

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون  $t$  برابر با  $0/0001$  می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری  $0/05$  کوچک تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با  $(7,21)$  و بزرگ تر از مقدار  $(1/96)$  می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: توسعه کیفی نیروی انسانی بر رفع اطلاع دادرسی مؤثر می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با  $4,19$  می‌باشد که از میانگین جامعه  $(3)$  با اختلاف  $1,19$  نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه «اصلاح مقررات و قوانین بر رفع اطلاع دادرسی مؤثر می‌باشد»

جدول آماره‌های توصیفی					متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد		اصلاح مقررات و قوانین
۱۵۰	۳,۹۱	۰,۲۸	۰,۰۴		
جدول آماره‌های استنباطی					نتیجه کلی آزمون
آزمون $t$	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	حد پایین / حد بالا	
۶,۸۸	۱۴۹	۰,۰۰۰۱	۰,۹۱	۰,۴۴ / ۰,۱۵	
تأیید فرضیه					

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون  $t$  برابر با  $0/0001$  می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری  $0/05$  کوچک تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با  $(6,88)$  و بزرگ تر از مقدار  $(1/96)$  می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: اصلاح مقررات و قوانین بر رفع اطلاع دادرسی مؤثر می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با  $3,91$  می‌باشد که از میانگین جامعه  $(3)$  با اختلاف  $0,91$  نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.



آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه «اصلاح فرآیندهای رسیدگی بر رفع اطاله دادرسی مؤثر می‌باشد»

متغیر				
اصلاح فرآیندهای رسیدگی	جدول آماره‌های توصیفی			
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
	۱۵۰	۴,۰۳	۰,۱۷	۰,۰۳
	جدول آماره‌های استنباطی			
نتیجه کلی آزمون	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها
	۷,۶۲	۱۴۹	۰,۰۰۰۱	۱,۰۳
	حد پایین / حد بالا			
				۰,۵۷ / ۰,۲۱
تأیید فرضیه				

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون t برابر با  $0/0001$  می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری  $0/05$  کوچک تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با (۷,۶۲) و بزرگ تر از مقدار (۱/۹۶) می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: اصلاح فرآیندهای رسیدگی بر رفع اطاله دادرسی مؤثر می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با  $4,03$  می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف  $1,03$  نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه «اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی بر رفع اطاله دادرسی مؤثر می‌باشد»

متغیر				
اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی	جدول آماره‌های توصیفی			
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
	۱۵۰	۳,۷۵	۰,۱۹	۰,۰۵
	جدول آماره‌های استنباطی			
نتیجه کلی آزمون	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها
	۵,۴۷	۱۴۹	۰,۰۰۰۱	۰,۷۵
	حد پایین / حد بالا			
				۰,۸۴ / ۰,۳۳
تأیید فرضیه				

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون t برابر با  $0/0001$  می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری  $0/05$  کوچک تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با (۳,۷۵) و بزرگ تر از مقدار (۱/۹۶) می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی بر رفع اطاله دادرسی مؤثر می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین

اکتسابی نمونه برابر با ۳,۷۵ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰,۷۵ نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

#### آزمون فریدمن برای بررسی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر رفع اطلاع دادرسی

رتبه	متغیر
۵	توسعه کمی نیروی انسانی
۱	توسعه کیفی نیروی انسانی
۳	اصلاح مقررات و قوانین
۲	اصلاح فرآیندهای رسیدگی
۴	اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی

#### آزمون فریدمن

۱۵۰	تعداد
۴	درجه آزادی
۰/۰۰۰۱	سطح معناداری

با توجه به نتایج آزمون فریدمن رتبه بندی عوامل مؤثر بر رفع اطلاع دادرسی به ترتیب عبارتند از: توسعه کیفی نیروی انسانی.

اصلاح فرآیندهای رسیدگی، اصلاح مقررات و قوانین، اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی، توسعه کمی نیروی انسانی.

## نتیجه گیری

از مجموع پنج فرضیه‌ای که در این پژوهش مورد بحث و بررسی واقع شده است کلیه فرضیات تأیید شده است. با توجه به آزمون‌های آماری صورت گرفته که برای بررسی این فرضیات استفاده گردید، عوامل ذیل به ترتیب در کاهش و رفع اطاله دادرسی مؤثر می‌باشند: توسعه کیفی نیروی انسانی، اصلاح فرآیندهای رسیدگی، اصلاح مقررات و قوانین، اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی، توسعه کمی نیروی انسانی.

با توجه به نتایجی که از یافته‌های این پژوهش حاصل شده است پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- ایجاد دادگاه‌های موقت: یکی از مشکلات دستگاه قضایی در مورد اطاله دادرسی، وجود پرونده‌های متعدد و انباشته شدن آن‌ها در دادگاه‌ها در وقت رسیدگی می‌باشد. به نظر می‌رسد با ایجاد دادگاه‌های موقت تا حدودی بتوان اطاله دادرسی را از بین برد. چنین دادگاه‌هایی وقتی ایجاد می‌شوند که تعداد زیادی پرونده در وقت رسیدگی قرار گرفته باشند. دادگاه‌های موقت مخصوصاً در مواقعی مفید هستند که تعداد پرونده‌های ارجاعی به شعب در حال افزایش باشد. در چنین مواردی ممکن است قضات بازنشسته در دادگاه‌های موقت به کار گرفته شوند تا تعداد پرونده‌های ارجاعی را کاهش دهند بدون این که مستلزم هزینه‌های دائمی در آینده باشند.

- رسیدگی در خارج از نوبت به دعاوی: برخی دعاوی مطروحه در مراجع قضایی چنان کم اهمیت هستند که به سادگی و در کمترین زمان ممکن می‌توان به آن‌ها رسیدگی کرد. نظیر دعاوی که موضوع آن‌ها مطالبه مقدار اندکی پول است. گاهی نیز برخی از دعاوی کم اهمیت و دارای مبالغ پایین نیستند اما از موضوعات غیرپیچیده محسوب می‌شوند که مقررات حاکم بر آن‌ها نیز روشن است؛ مانند اغلب دعاوی چک. رسیدگی خارج از نوبت به این اختلافات سبب می‌شود که تعداد زیادی از پرونده‌ها به فوریت رسیدگی شوند و قضات زمان اصلی رسیدگی را به پرونده‌هایی اختصاص دهند که پیچیده بوده و رسیدگی به آن‌ها نیاز به بررسی و تحقیقات گسترده تری دارد.

- پیش بینی راهکارهای مناسب جهت نظارت دقیق و مستمر بر عملکرد قضات، کارمندان و دیگر افراد مرتبط با دادگستری، نظیر ضابطان و کارشناسان.

- اعمال اصل شایسته سالاری در ارتقای سمت‌ها و تعیین مدیران و رؤسای دادگستری‌ها.

## منابع

- اصغرزاده بناب، مصطفی، ۱۳۸۳، شرح تفصیلی وظایف و تکالیف قانونی مدیران دفاتر، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- دارابی، محمد هادی، ۱۳۸۷، **علل اطاله دادرسی و روش‌های جایگزین حل اختلاف**، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر گسترش تولید علم معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- دلاوری، محمدرضا، ۱۳۸۹، **اطاله دادرسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- روزنامه سیاست روز، ۱۳۸۰/۱۰/۰۹، **اطاله دادرسی و علل آن**، تهران.
- صاحبی، مهدی، ۱۳۸۵، **علل اطاله دادرسی در ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات آوای نور.
- گروه توسعه قضایی، ۱۳۸۹، **راهکارها و علل و عوامل توسعه قضایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گروه توسعه قضایی قوه قضاییه.
- مرتضوی، میرمحمدحسین، ۱۳۹۰، **نظرات اصلاحی درباره دادگستری، مجله کانون وکلای دادگستری آذربایجان**، شماره ۶.
- یعقوبی، سیدمحمدرضا، ۱۳۸۶، **اطاله دادرسی در محاکم حقوقی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵
- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴